



**Global Storybooks**

[globalstorybooks.net](http://globalstorybooks.net)

پښتانه کورنۍ: داسې وایو او لیکلې کتابونه

✍ Nicola Rijdsdijk

✉ Maya Marshak

✉ Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-

e Danesh Library)



This work is licensed under a Creative Commons

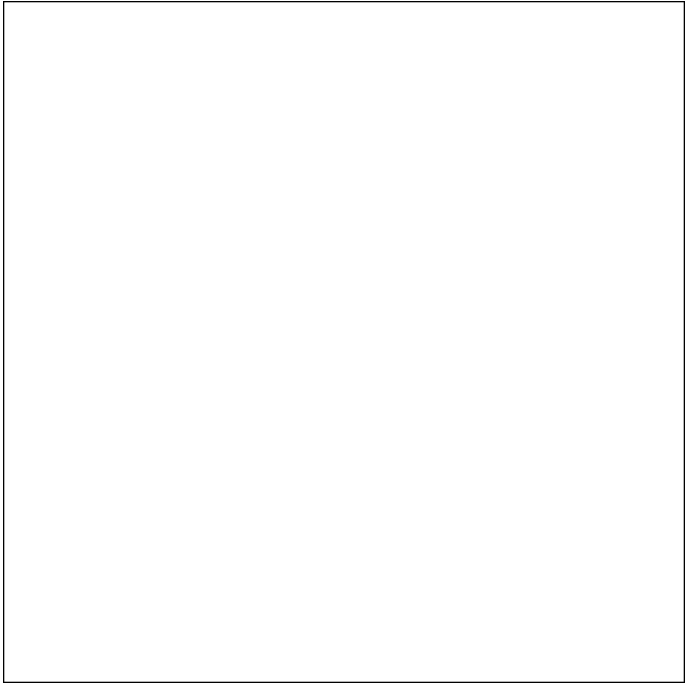
[Attribution 4.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



پښتانه

پښتانه کورنۍ: داسې وایو او لیکلې کتابونه



✍ Nicola Rijdsdijk

✉ Maya Marshak

✉ Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-

e Danesh Library)

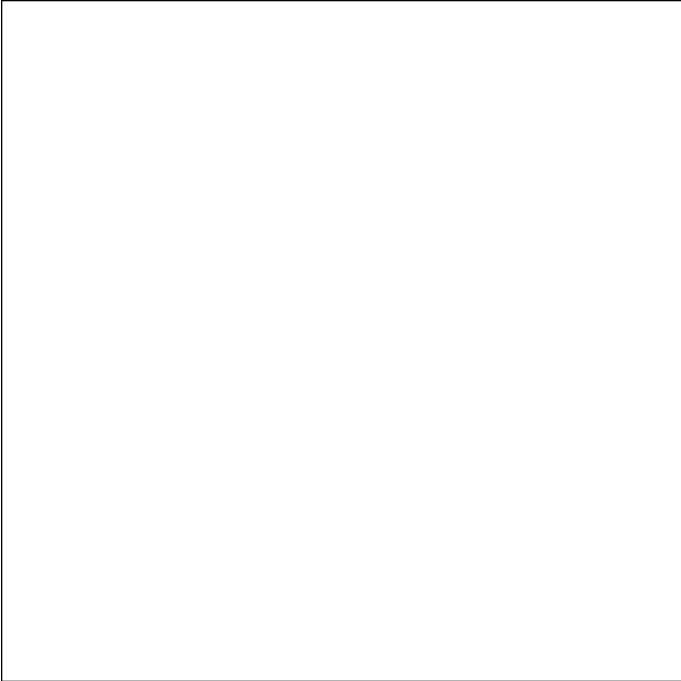
|| 3

😊 درې پرس



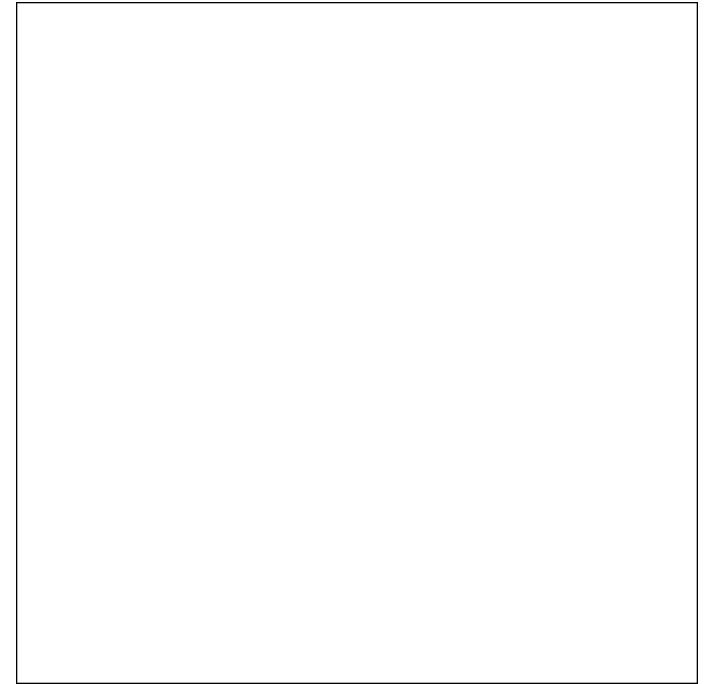
در روستایی روی سرازیری کوه کنیا در شرق  
آفریقا، دختر کوچکی با مادرش روی زمینی کلر  
می کرد. اسم آن دختر وانگاری بود.

می‌کرد و روی آن را با خاک می‌پوشانید.  
می‌کرد. او دانه‌های کوچک را در زیر جای گرم فرو  
می‌شد، با کار بزرگ جور جای را زیر و رو  
جانبازی شاه که محصولات غذایی کشت  
و انگاری از بیرون بودن می‌برد. در ناخفته‌ی





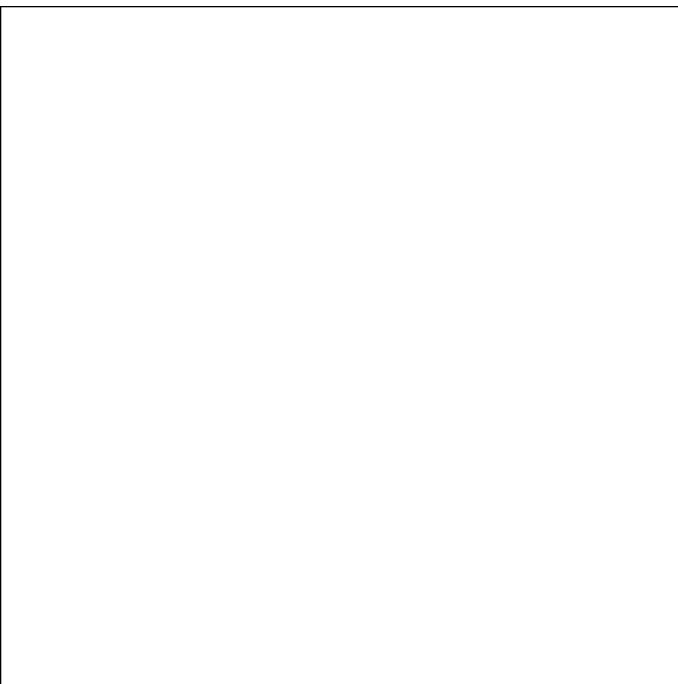
بهترین زمان مورد علاقه ی او در طول روز، زمان غروب بود. زمانی که خیلی تاریک می شد و نمی شد گیاهان را دید، وانگاری می دانست که دیگر باید به خانه برگردد. او از کنار رودخانه ها و مسیرهای باریکی که در بین زمین های کشاورزی بود، می گذشت.



وانگاری در سال 2011 از دنیا رفت، ولی ما هر وقت که به یک درخت زیبا نگاه می کنیم، به یاد او می افتیم.

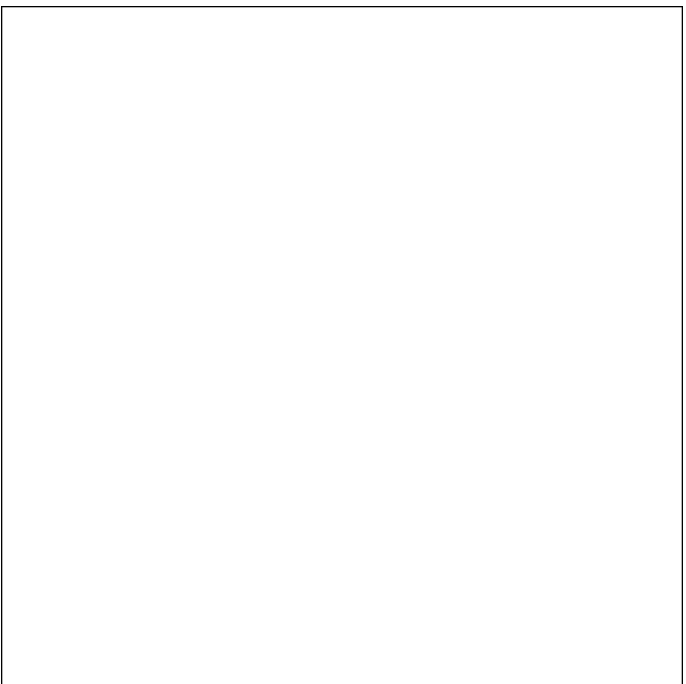
می‌کرد.

او اولین زن آفریقایی بود که این آداب را در بافت  
و اصلاح نوبل بود و  
خانم، خانم، خانم، خانم  
موضوع این اثر است و به او یک  
و انگاری سخت کار کرده بود. مردم سراسر دنیا



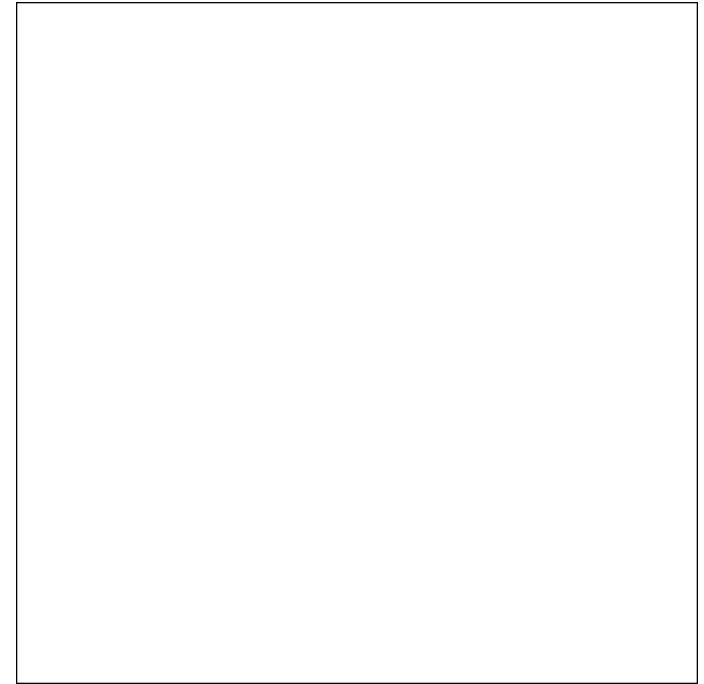
نمود.

و اصلاح نوبل بود و  
خانم، خانم، خانم، خانم  
موضوع این اثر است و به او یک  
و انگاری سخت کار کرده بود. مردم سراسر دنیا





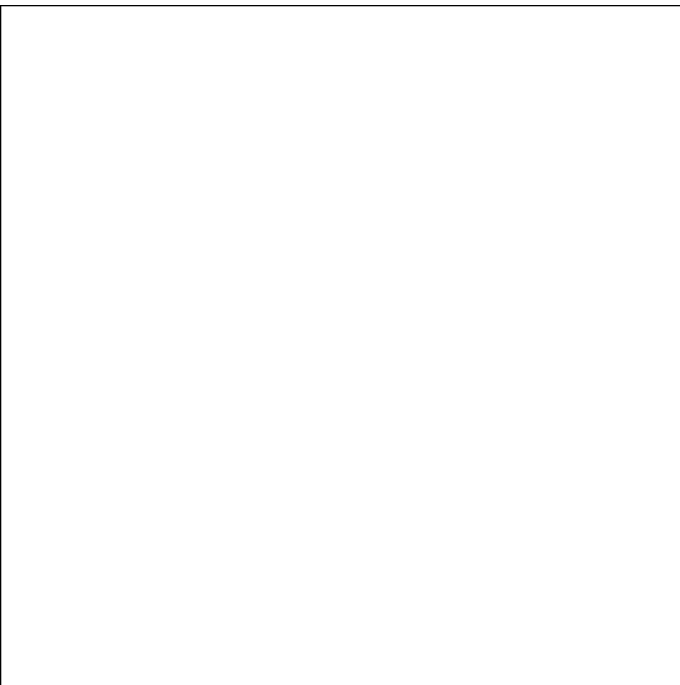
او به یادگیری علاقه داشت! وانگاری با خواندن هر کتاب مطالب بیشتر و بیشتری یاد گرفت. او در مکتب عالی بود، به طوری که برای ادامه تحصیل به ایالات متحد آمریکا دعوت شد. وانگاری هیجان زده بود! او می خواست که بیشتر در مورد دنیا بداند.



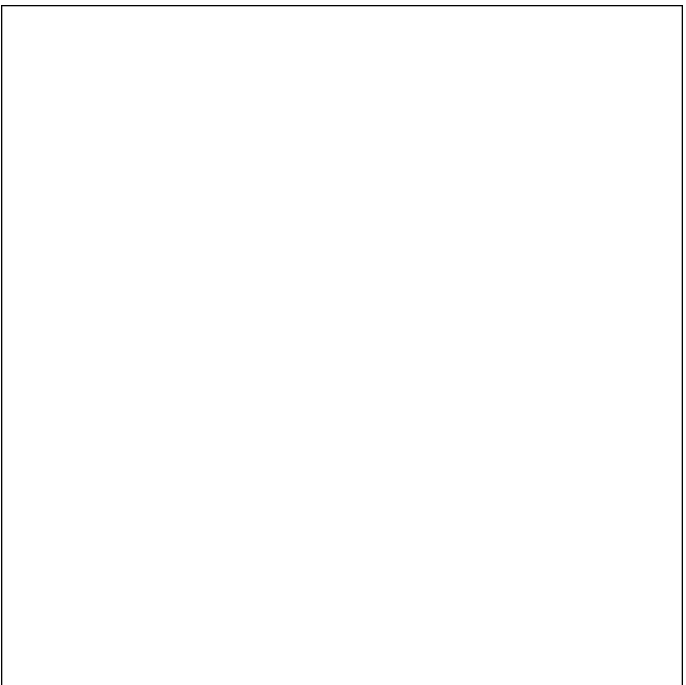
همچنان که زمان می گذشت، درخت های جدید در جنگل ها رشد کردند، و رودخانه ها دوباره جاری شدند. پیام وانگاری در سرتاسر آفریقا پیچید. امروز میلیون ها درخت از بذره های وانگاری رشد کرده اند.

نپرومندی کنی.

و احسان کرده بود که احدی قدرت مندی و  
می کردند. زنان جنگی بودند. وانگاری به  
استفاده از جان و آموخته های برای پوشش  
درخت بکارند. زنان درخت را می فروختند و از  
پایه های می توانستند با استفاده از دانه های  
وانگاری می دانست که چه کار کند. او به زنان یاد

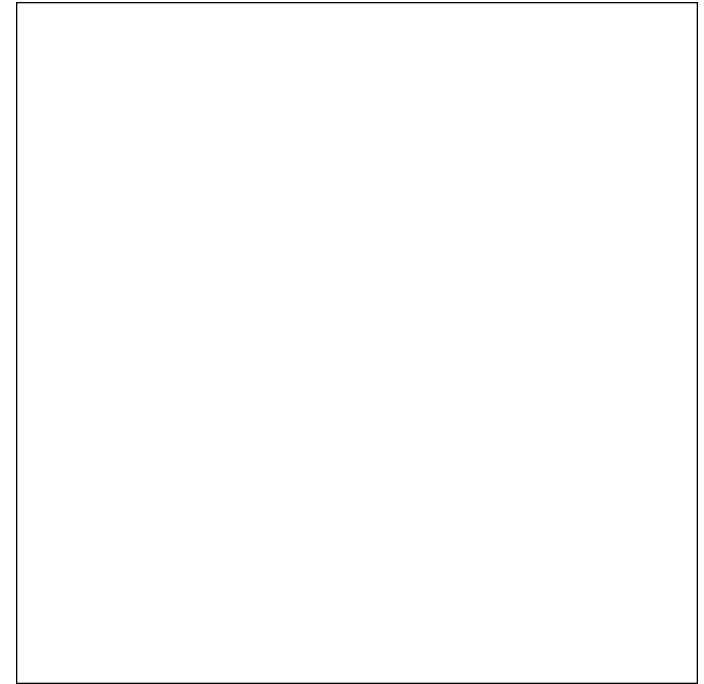


کتی با پسرانش می کرد.  
زنان جنگی زنی بودند که  
جوش خورده شده است. به یاد می آورده که  
رشد می کنند، درس می خوانند و به یاد می آورده که  
پایه های می توانستند با استفاده از دانه های  
وانگاری می دانست که چه کار کند. او به زنان یاد





هر چه بیشتر یاد می‌گرفت، بیشتر می‌فهمید که  
چقدر مردم کنیا را دوست دارد. او می‌خواست که  
مردم شاد و آزاد باشند. هر چه بیشتر یاد  
می‌گرفت، بیشتر خانه‌ی آفریقایی‌اش را به یاد  
می‌آورد.



وقتی که تحصیلاتش به پایان رسید، به کنیا  
برگشت. ولی شهرش تغییر کرده بود. مزرعه‌های  
خیلی بزرگ روی زمین گسترده شده بودند. زن‌ها  
دیگر هیزم برای آشپزی نداشتند. مردم فقیر بودند  
و کودکان گرسنه.